

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## نحوه حضور و نوع نگاه ایالات متحده بر منطقه و کشور ما منطق ژئوپولیتیک در مناسبات کشورهای همجوار شیوه‌های تعادل قدرت منطقی

اختلال ستراتیژیک یا تضعیف مواضع؟  
عقبه‌های پشتیبانی برون مرزی  
رویارویی چند منظوره  
هیولای فراملیتی

در اینمورد همینقدر تذکر باید داد که حاکمیت سیاسی پاکستان هرچند در آغاز، مخالف انجام عملیات نظامی ایالات متحده در کشور ما بود، اما سرانجام شریک مستقیم این عملیات نظامی شده و از یکجانب بفکر و اندیشه به جیب زدن میلیون‌ها دالر امریکایی بمنظور فراهم نمودن مسیر امن برای کاروان‌های نظامی ایالات متحده شده و وارد سهمگیری مستقیم در جنگ ایالات متحده در کشور ما گردید. پاکستان از یکطرف از چگونگی ماهیت نظامی که در کشور ما تشکیل می‌گردد، در تشویش بسر برده و در تب جانکاهی میسوزد و از جانب دیگر مناسبات حسنه کشور ما بآهند، در واقعیت امر، مثابه کابوسی برای حکومتداران پاکستانی بوده و بر بنیاد واقعیت‌های گفته‌آمده، بمثابه دوست ستراتیژیک ایالات متحده در صفت معرکه "جنگ علیه تروریسم" قرار گرفته و معاونت‌های سخاوتمندانه میلیاردها دالر ایالات متحده را کمایی نموده و به سایر گروه‌های بنیادی نیز پناه داد.

بمنظور درک و کسب آگاهی لازم از سیاست‌های ایالات متحده در کشور عزیز ما افغانستان، ضرورت تحقیقات و مطالعات گسترده معادلات موجود و بررسی پروسه‌های سیاسی که افغانستان بر آنها اثرگذار می‌باشد، در درجه نخست اهمیت قرار گرفته که چنین وضعیتی نه تنها سبب می‌گردد تا قادر به شناخت پیامدهای تلاش‌های واشنگتن و هم پیمانانش بخاطر حل و فصل قضایای کشور ما گردیم، بلکه شاهد تأثیرگذاری و اثربخشی آن بر مجموعه سیاست خارجی ایالات متحده در شرق میانه، شرق نزدیک و جنوب آسیا خواهیم بود. چنین وضعیتی نه تنها به بررسی موفقیت سیاست‌ها و عملکردهای ایالات متحده و هم پیمانانش ممد واقع خواهد گردید، بلکه بگونه اجتناب ناپذیر، شاهد چگونگی تطبیق عملی بنیادهای سیاست خارجی ایالات متحده و تأثیرگذاری آن در دستور کار سیاست‌های اداره واشنگتن در شرق نزدیک، شرق میانه و جنوب آسیا نیز خواهیم بود. قابل ذکر پنداشته می‌شود که در نیشته حاضر، فاکت‌های مربوط به چگونگی سیرو میلان حوادث و حدوث وقایع اتفاقیه در اطراف کشور عزیز ما مورد مطالعه قرار داده می‌شود.

یادآور باید شد که بمثابه واقعیت‌های موجود در روند سیستمی از مسایل کنونی، از نقش و سهمگیری کشور چین، بویژه در عرصه اقتصادی و در زمینه زیرساخت‌های انکشافی در افغانستان باید از سعی و تلاش آنکشوردرامر

سروی و استخراج معدن مس در ولایت لوگر نام برد که شرکت های چینی در عرصه یادشده، سرمایه گذاری های هنگفتی را متعهد گردیدند تا در زمینه ایجاد زیرساخت های برنامه یادشده با اقدامات عملی متوسل گردند. همچنان شرکت نفتی دولتی چین همراه با شرکت های افغانی در بخشهای شمال غربی کشور ما بمنظور تفحص نفت در کشور، سرمایه گذاری هایی را وعده سپردند. همه ی اینها با هم به هدف تطبیق برنامه های موردنظر و ستراتیژی احیای راه ابریشم جدید بوده که کشور چین را با آسیای مرکزی و شرق میانه وصل می نماید، قبل از همه بدلیل صنعتی ساختن منطقه سینکیانگ آن کشور که ایغورها در آن بود و باش می نمایند و از آن طریق، ایجاد و تدایم امنیت در اراضی کشور ما که تضمین کننده منافع درازمدت چین در کشور ما می باشد، هم بنفع امنیت و تأمین ثبات در اراضی افغانستان و هم در سراسر منطقه محسوب می گردد. این واقعیت حتما درواشنگتن نیز مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته که در وضعیت اینچنینی، منافع چین و ایالات متحده در منطقه، بصورت یک گل، همخوانی دارد. گرایش دیگر سیستم، بمفهوم اخص کلمه، تشدید رقابت های سیاسی ایالات متحده و هم پیمانانش در مورد بسیاری از مناطق مختلف بحر الکاھل و بحر هند با چین، نیز قابل تذکر پنداشته می شود.

در ارتباط موضوع فوق، این مسأله قابل یاددهانی می باشد که همکاری های صنعتی مثلث جاپان، هند و استرالیا، سبب گردید تا چین با انگیزه های سیاسی و اقتصادی بمسایل نگاه نماید. همچنان سه کشور متذکره جاپان، استرالیا و هند، با ترتیب در درجه های اول، دوم و سوم، بمتابه شرکت کننده ها در امر بازسازی کشور ما سهم گرفتند. ظهور و پیدایش سیستم های دوگانه یادشده، بگونه ای از سهمگیری درازمدت ایالات متحده در امور و مسایل کشور ما بمتابه داور منافع قدرت های صنعتی منطقه، بارتباط دستیابی به بازارهای عرضه محصولات تولیدی، استفاده و بهره برداری از منابع مواد خام و ایجاد دهلزبین المللی انتقالاتی، نمایندگی می نماید.

موارد قابل توجه بارتباط مسایل مربوط به کشور عزیز ما، از جمله یکی هم تشکل پروسه های سیاسی در جهان اسلام بمفهوم وسیع کلمه بشمار می رود. بیش از همه، از اختلافات و گوناگونی موقف های کاملن متضاد میان سنی و شیعه که عمدتن از جانب عربستان سعودی و ایران پشتیبانی می گردند، باید یادآوری بعمل آورد. کشور های یادشده در دفاع و پشتیبانی آشکار و نهان یکی از جمله دوبخش گروه مذهبی در افغانستان، منافع حیاتی شان را جستجو می نمایند. از جانب دیگر، تهران در جهت توازن و حفظ موازنه همکاری با پاکستان، چین و هند تلا ش می ورزد. علاوه بر آن، هند سال های متمادی در مورد برنامه هستوی ایران، موضعگیری کاملن سازشکارانه ای را تعقیب نمود. همزمان با آن، عربستان سعودی در امر همکاری با پاکستان حساب باز نموده و مدت زمان طولانی به پشتیبانی از "طالب"ها مبادرت ورزید. در عین حال، دستیابی افغانستان به احراز نقش فعال سیاسی در امور و مسایل منطقوی، از بسیاری رهگذرها کاملن منطقی بنظر می رسد. برای ایالات متحده، امر یادشده با توجه به دشواری هایی در روابط مستقیم آن کشور با ایران و پاکستان و لزوم حفظ روابط با عربستان سعودی، بگونه ای فرصت های سیاسی دیگری را ایجاد خواهد نمود.

در این قطع چندان بیمورد نخواهد بود اگر مسأله امنیت آسیای مرکزی بویژه در زمینه متن وضعیت و شرایط کنونی کشور عزیز مورد مطالعه قرار گیرد. در این مورد، قبل از همه تذکر این مطلب از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد که بدلیل موقعیت جغرافیایی و وضعیت پیچیده و فوق العاده دشوار سیاسی داخل کشور، مناسبات قومی و قبیلوی و دخالت هایی در اقتصادهای سایه، کشور ما تاکنون نیز در مرکز توجه مجدد بسیاری از کشورها و نیرو های ذیدخل قرار دارد. نباید فراموش خاطر ما گردد که نبود امنیت پایدار در افغانستان، نه تنها سبب ساز شکل گیری و موجودیت عدم امنیت در کشور های همجوار شده، بلکه چنین وضعیتی حتما بکشور های خارج از محدوده منطقه نیز سرایت خواهد نمود. بگونه مشخص و بدلائل متذکره فوق، کشور های پاکستان، هند، ایران، کشور های آسیای میانه، جمهوری مردم چین و روسیه، با نگرانی ذایدالوصفی، اوضاع نابسامان امنیتی کشور ما را دنبال می نمایند.

در جریان مدت زمان دو سال پسین، جامعه بین المللی در قبال این پرسش قرار گرفته که پس از خروج کامل نظا میان خارجی از افغانستان، در کشور ما چه رخ خواهد داد؟

قابل یاددهانی پنداشته میشود که که بسیاری از نهاد های سیاسی بین المللی، بگونه ای در مورد مسأله گفته آمده اغراق نموده و اظهار می نمایند که پس از خروج کامل نظامیان خارجی از اراضی کشور ما، مجموعه منطقوی بشمول افغانستان دستخوش بی ثباتی و عدم امنیت خواهد گردید.

بیش از همه، در مورد متذکره، سازمان ها و نهادهایی چون "رند"، "بنیاد کارنگی"، انستیتوت آسیای مرکزی و

قفقاز در پوهنتون امریکایی جان کاپینز، مرکز تحقیقاتی انگلیس "چیتیم هوس"، انستیتوت دولتی سویدن و... بگونه مشخص اظهار نظر نموده اند، همچنان بنیاد آلمانی "ربریتا" با تشکیل مجمعی از کارشناسان و دست اندرکاران جمهوری های آسیای مرکزی، پاکستان، هند، ایران، ترکیه، چین و روسیه در صدد آن شدند تا اوضاع و وضعیت کشور ما را بویژه پیش از خروج نظامیان خارجی، پیشبینی نموده و گمانه زنی هایی بعمل آورند. این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که با بررسی و مطالعه برخی از سناریوهای ارائه شده، قادر بدرک کُنه قضایا و مسایل حاد موجود در کشور عزیز شده و در مورد چگونگی وضعیت امنیتی منطقه تصور حداقلی هم اگر شده، بدست خواهیم آورد.

وضعیت در کشور عزیز ما افغانستان، بویژه در متن اوضاع جیوپولیتیکی، میتواند بگونه مستقیمی بروضعیت و اوضاع امنیتی ساحه وسیع منطقوی که دربرگیرنده جنوب آسیا، آسیای مرکزی و شرق میانه، پاکستان، هند، ایران، کشورهای آسیای میانه، چین و روسیه می باشد، نیز اثرگذار و مؤثر واقع گردد. از جانب دیگر، همه کشورهای متذکره بنحوی از انحاء در صدد دستیابی به منافع منحصربفرد شان می باشند. بنابراین افغانستان در مرکز ثقل توجه جهان و جهانیان، بویژه مورد علاقمندی دول کشورهای منطقه قرار گرفته است. اما قبل از همه و بیش از سایرین، این پاکستان است که به کشور عزیز ما با نگاه خصمانه نگر بسته و در قبال مسایل مربوط ط به کشور ما از انجام هیچگونه تزویر و ریایی ابا نمی ورزد. اگر به قضایای موجود کشور عزیز از بعد سیاست جهانی نگاه نماییم، در این مورد باید افزود که اصول کلی موضع ایالات متحده بر بنیاد توسعه شرکت "رند" قرار دارد. اما ستراتیژی امریکایی ها در مورد اقتدار سیاسی کشور ما بر مدار دو عنصر می چرخد: از میان برداشتن تمامی عنا صرو پدیده های ضد غربی که "طالب" ها و سایر گروه های بنیادگرا را نیز شامل می گردد، این اولین؛ دوم اینکه عده ای از "طالب" های میانه رورا در قدرت سیاسی کشور ما بگنجانند تا توانسته باشند از این طریق، بنحوی از انحاء، مؤثریت و تأثیرگذاری شان را بر مجموعه حاکمیت سیاسی کشور ما حفظ نمایند.

در جریان سال های پسین، کارشناسان امریکایی در صدد آن شدند تا افغانستان در ردیف کشورهای قرار داده شود که در آنها عملن دموکراسی غیر متمرکز موجود میباشد تا در شرایط ویژه و منحصربفردی برای واشنگتن بمتابه گزینه قابل قبولی باشد. در چنین وضعیتی، حاکمیت مرکزی همراه با محلات وسیع خودمختار و ایجاد ساختارهای دموکراتیک قادر خواهد بود تا بر تمامی بخش ها ویر کلیه اراضی کشور نظارت داشته که در صورت عکس مطلب، بمنظور ایجاد نا آرامی و برهم زدن ثبات پاکستان بکار رفته و حملاتی را علیه منافع ایالات متحده و هم پیمانان آن کشور انجام دهند.

اما نباید فراموش نمود که ایجاد و پایه گذاری دولت دموکراتیک غیر متمرکز، بگونه ای معضلات ذیل را سبب خواهد گردید:

درگام نخست، ممکن برای "طالب" ها، اصل دموکراسی غیر قابل قبول پنداشته شده و بزودی علیه ساختارهای دولتی حاکمیت اینچینی، بمقاومت پرداخته و مانند شرایط کنونی، بر علیه مرکزیت دموکراتیک به مبارزه شان تداوم بخشند؛

درگام دوم، ممکن امکانات اداری حاکمیت دولتی کشور محدود تر گردد؛

وسوم هم اینکه، گزینه یادشده، بندرت سبب ایجاد روحیه ضد دولتی شخصیت های تأثیرگذار در محل خواهد گردید.

بخاطر میآوریم که در مقطع زمانی مشخصی، اتاق تفکر انگلیسی "چیتیم هاوس" با ایالات متحده و سایر اعضای ناتو فیصله بعمل آوردند تا بمنظور حل و فصل قطعی قضایای کشور ما دست اندرکار شوند. مطابق برنامه مطروحه در مورد یادشده، شمار مجمعی نظامیان کشور ما ۱۳۴ هزار تن و تعداد پولیس کشور به ۱۰۹ هزار تن تخمین گردیده بود. بسخن دیگر، فیصله بعمل آمد تا با اقدامات عملی در زمینه، مسؤلیت تأمین امنیت بر عهده نیروهای دفاعی و امنیتی کشور محول گردد.

برنامه یادشده، همچنان ایجاد بنیاد بین المللی ادغام مجدد را در دستور کار قرارداد تا با استفاده از آن، آنده از "طالب" ها را که جنگ و درگیری های مسلحانه را بمنظور دستیابی به مصالحه و حل و فصل قضایای کشور جایز نمی پندارند، به پروسه مصالحه در کشور جلب گردیده و زندگی صلح آمیز را در خانه و کاشانه شان آغاز نمایند.

بمنظور تطبیق و اجرای عملی برنامه یادشده، که مورد تأیید ایالات متحده نیز قرار گرفت، بهزینه یک میلیارد

دالضرورت بود. در مورد چگونگی تعیین سرنوشت کشورماً، قبل از همه، کشورهای ترک نژاد آسیای میانه و کشور ترکیه نیز در حاشیه قرار نگرفتند. آرمان اصلی انقره بر این بنیاد استوار بود تا به قضایای کشورماً، قبل از همه، خصوصیت منطقی قایل گردیده و دول کشورهای همجوار افغانستان نیز بگونه ای در حل و فصل عاد لانه قضایا شریک شوند.

مسأله ایکه به چین ارتباط می گرفت، از جمله یکی هم، موجودیت بیم و هراس از تسلط بنیادگراها بر جنبش تجزیه طلب ایگورها نیز قابل اندیشه محسوب می گردید. چه در چنین حالتی، پوتانسیل موجود "جنبش اسلامی ترکستان شرقی" سبب خواهد گردید تا بمثابة پیشقراول عملکردهای تروریستی در منطقه مبدل گردد تا چین از موضع ناظر به فعالیت های عملی مشخصی گذار نماید. کشور یادشده، قبل از همه، به هدف تضعیف "طالب" ها در صدد مداخله های اقتصادی در معضلات مربوط به کشورماً گردید. سهمگیری در امر بهره برداری از منابع سرشار طبیعی کشورماً نیز برای چین خالی از دلچسبی نبود.

همچنان هند نیز بنبوه خویش، بگونه ای در پی آن شد تا با استفاده از روش ها و میکانیسم های موجود، در اوضاع عمومی کشورماً بمثابة یک گل نیز تأثیر گذار بوده و در زمینه مؤثر واقع گردد. اما کشور نامبرده در این مسیر با سلسله معضلات و موانعی مواجه گردید.

مطابق اظهار نظرهای برخی از کارشناسان امور، اسلام آباد سعی می ورزد تا در صورت درگیری های مسلحانه میان هند و پاکستان، شرایط را بیش از پیش برای پنبتون های کشورماً دشوار و غیر قابل قبول نماید. فدراتیف روسیه نیز بدلائل گوناگونی در صدد ورود و عودت به کشورماً می باشد. کشور متذکره در گام نخست، آرزومند آنست تا در قضایای کشورماً بگونه فعالتری سهمیم گردیده و قبل از همه در امر مبارزه علیه زرع، کشت و قاچاق مواد مخدر در اراضی کشورماً به عملکردها و اقدامات قاطعی در زمینه مبادرت ورزد. در گام دوم، در مورد اهمیت و ضرورت مناسبات و روابط با کابل، روسیه مانند سایر بازیکنان در عرصه یادشده، بمنظور دستیابی به منافع اقتصادی، فروش سلاح و مهمات حربی و در نهایت امر، در صدد استفاده از منابع طبیعی کشورماً می باشد.

کشور جاپان نیز در حل و فصل قضایای مربوط به کشورماً سهمیم گردیده و در عرصه همکاری و همیاری با ایالات متحده ناگزیر به سازش هایی در زمینه گردید، از یکجانب، و اشننگتن سلسله فشارهایی را بر جاپان وارد نموده و در صدد آن شد تا کشور یادشده را در عملیات ها و عملکردهای نظامی اش در کشورماً همنوا سازد. از جانب دیگر، نخبگان جاپانی در پی حفظ موازنه و نگهداری توازن میان تقاضاهای متحدین و بویژه در نظر داشت واقعیت های سیاسی موجود، سعی ورزید. در این مورد، تلاش های توکیو صرف و تنها به عملکردهای و اشننگتن خلاصه نگردیده بلکه بر عکس، دیپلوماسی جاپان که از پوتانسیل گسترده ترقی و انکشاف برخوردار بود، در ارتباط به قضایای کشورماً بگونه کاملن مستقلانه از قوه بفعل مبدل گردید، بویژه سهمگیری در امر بازسازی و ساخت و ساز بمنظور اجراء و تطبیق برنامه های بازسازی افغانستان، بویژه پس از خروج نظامیان خارجی از کشورماً، قابل ذکر پنداشته می شود.

در عرصه حل و فصل مسایل بشری و موضوعات اجتماعی - اقتصادی، جاپان در ثدد ایفای نقش برجسته تری گردید. سهمگیری در امر بازسازی و اعمار مجدد و ایجاد ثبات لازم در کشورماً، برای جاپان این فرصت را میسر خواهد نمود تا با کشورهای آسیای مرکزی باستقرار روابط پایدارتری اقدام نموده و از این طریق امنیت فعال آن کشور را همچنان حفظ نموده و با استفاده از تجربیات اندوخته شده و با سهمگیری فعال در حل و فصل قضایای منطقی، در عرصه بین المللی از حیثیت و اعتبار قابل توجهی برخوردار گردد.

در مورد سناریوهای موجود حل و فصل قضایای کشورماً باید یادآور شد که گزینه های زیادی در مورد استقرار صلح و تأمین امنیت و برنامه های گسترده رشد و انکشاف پایدار کشورماً عملن موجود بوده و اما همه ی آنها بگونه واقعی، در زمینه تأمین امنیت و ایجاد ثبات پایدار در کشورماً، جوابگوی تقاضاهای ایالات متحده محسوب نمی گردد.

یکشنبه ۲۹ ماه سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی